



انجمن ایرانی حقوق جزا

پژوهشنامه حقوق کیفری

سال دهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

شماره پانزدهم

صفحات ۱۶۴-۱۳۷



دانشگاه گیلان

سندرم بزه‌دیدگی زیست‌محیطی: پاسخی به چرایی ارتکاب رفتارهای آسیب‌رسان به منابع آب زیرزمینی

محمد صیفی^۱

دکتر عبدالرضا جوان جعفری^۲ ✉

زهرآ فرهادی آلاشتی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۷

چکیده

با وجود افزایش چشمگیر جرایم علیه منابع آب زیرزمینی در چند دهه گذشته، قربانیان این جرایم جزئی عادی از زندگی مدرن تلقی شده و شاهد پدیده سندرم بزه‌دیدگی زیست‌محیطی هستیم. در همین راستا، پژوهش پیش‌رو با هدف یافتن چرایی تبدیل بزه‌دیدگی منابع آبی زیرزمینی به اتفاقی عادی نگاشته شده است. چرا که، یافتن هرگونه راه حلی برای مبارزه با سندرم بزه‌دیدگی منابع آبی زیرزمینی و تخصیص امکانات نظام عدالت کیفری برای غلبه بر جرایم و انحرافات علیه آنها در گام نخست نیازمند شناسایی دلایل ارتکاب رفتارهای آسیب‌رسان می‌باشد. این مقاله با بهره‌مندی از دستاوردهای دانش جرم‌شناسی انتقادی زیست‌محیطی، به این نتیجه دست یافت که اولاً، در بسیاری از موارد جامعه‌هراسی از آسیب‌های جرایم نامرئی سبز نداشته و خود را قربانی بزهکاران یقه سبز نمی‌داند. ثانیاً، عملکرد ناکافی نظام عدالت کیفری و سیاست‌های سبزشویی صاحبان صنایع نقش چشمگیری در شکل‌گیری حاشیه‌ای امن برای مرتکبان این جرایم دارند.

واژگان کلیدی: جرم‌شناسی سبز، بزه‌دیدگی، محیط زیست، آبخوان، آب زیرزمینی، سندرم، امنیت اخلاقی

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی فردوسی مشهد

✉ javan-j@um.ac.ir

۲. دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

۳. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی فردوسی مشهد

مقدمه

بر اساس گزارش جهانی توسعه آب سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵، ۲.۵ میلیارد نفر برای نیازهای روزانه خود به آب‌های زیرزمینی احتیاج دارند، در حالی که، سالانه ۱٪ تا ۳٪ حجم برداشت از منابع آب زیرزمینی افزایش می‌یابد (Chaisemartin & others, 2017: 206). وجود ۹۸٪ از ذخایر آب شیرین جهان در زیرزمین و وابستگی حیات انسان‌ها به این عنصر حیاتی، حکایت از آن دارد که توسعه اقتصادی و امنیت ملی جوامع بدون صیانت از این منابع ممکن نخواهد بود. تسریع روند افت سطح آب در آبخوان‌ها^۱، در نتیجه تولید محصولات کشاورزی بیشتر و گذر از عقب‌ماندگی اقتصادی و تلاش برای توسعه یافتگی بدون ارزیابی هزینه - فایده^۲ اقدامات، از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده امنیت منابع آبی در دهه‌های اخیر می‌باشند. کمرنگ شدن امنیت آب در بسیاری از موارد، می‌تواند منشأ آغاز بسیاری از ناآرامی‌های اجتماعی و نبردهای داخلی و بین‌المللی را فراهم سازد. نسل‌کشی در رواندا و نبرد دارفور خود نمونه‌های بارزی از تأثیر بحران آب بر آشوب‌ها و نبردهای داخلی می‌باشند (Tulloch, 2009).

جرایم علیه منابع آب (اعم از آلودگی آب شرب و یا نفوذ این آلودگی‌ها به مواد غذایی، ایجاد آلودگی خاک، هوا و ...) در زمره جرایم علیه بهداشت و سلامتی افراد می‌باشند و **حق بشری آب و بهداشت**^۳ را نقض می‌کنند (UN General Assembly, 2010). علیرغم به رسمیت شناخته شدن این حق در اسناد و معاهدات فراوان حقوق بشری، هر ساله شاهد افزایش جرایم علیه آب و جرایم مرتبط با آن می‌باشیم. افزایش بی‌توجهی به رفتارهای آسیب‌های زیست‌محیطی در دهه‌های اخیر و تهدید حیات همه ساکنین کره خاکی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد را بر آن داشت تا در صدد یافتن راه‌حلی برای مقابله با این معضل برآید. در نتیجه، جامعه بین‌المللی در جریان دوازدهمین کنگره پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد^۴ با صدور اعلامیه‌ی سالوادور بر وجود چالش‌ها و مشکلات فراوان ناشی از جرایم نوظهوری که محیط زیست را تحت تأثیر قرار می‌دهد اشاره کرده و از اعضا درخواست نمود تا علت بروز این ناهنجاری‌ها و جرایم را شناسایی کرده و راه‌حلهایی برای خروج از این وضعیت ارائه نمایند (UN General Assembly, 2010: para 12).

کشور ما نیز به دلیل قرار داشتن در کمربند خشکسالی از یکسو و سوءمدیریت منابع آبی از سوی دیگر، با چالش‌های بسیاری در این حیطه مواجه بوده و هر روز نیز بر شمار آن‌ها افزوده

1. Aquifer
2. Cost-Benefit Analysis (CBA)
3. Human Right To Water and Sanitation
4. United Nations Congress on Crime Prevention and Criminal Justice

می‌شود. بروز ریزگردها به دلیل بیابان‌زایی و تخریب خاک، احداث سدهای آسیب‌رسان، خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌هایی همچون هورالعظیم، ارومیه و شادگان، احداث صنایع آب‌بر از جمله فولاد و ۲۱ برابر شدن تعداد دشت‌های ممنوعه در طی پنجاه سال گذشته تنها نمونه‌هایی از بزهدیدگی گسترده انسانی و زیست‌بوم طبیعی در نتیجه ارتکاب جرایم دهشتناک علیه منابع آب زیرزمینی می‌باشند. در این راستا، هرگونه تدوین سیاست‌ها و راهبردهای جامع مبارزه با جرایم زیست‌محیطی، در گام نخست نیازمند پاسخگویی به این پرسش است که چرا جرایم علیه منابع آبی زیرزمینی که حیات بشر را تهدید می‌کنند عادی تلقی شده و بزهدیدگی این جرایم چندان نکوهیده نمی‌باشد؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است به وجود هنجاری کاذب در برخی از جوامع به نام **سندرم بزهدیدگی زیست‌محیطی**^۱ اشاره کنیم. سندرم^۲ مذکور بدین معنی است که جامعه آسیب‌های زیست‌محیطی را بخش عادی از زندگی هر فرد پنداشته و آن را همانند بسیاری از بلایای طبیعی غیرقابل کنترل (همچون زلزله، فوران آتشفشان، گردباد و ...) می‌شناسد.

اثر پیش‌رو با اعتقاد بر ضرورت علت‌شناسی سندرم بزهدیدگی جرایم علیه منابع آب زیرزمینی به عنوان گام اصلی تدوین راهبردهای پیشگیرانه و کنترلی قهری نگاشته شده و به بررسی مهم‌ترین دلایل وجود سندرم بزهدیدگی جرایم علیه منابع آب زیرزمینی در کشورمان پرداخته است. این نوشتار در قالب چهار گفتار، سعی در ارزیابی علل سندرم بزهدیدگی جرایم علیه منابع آب زیرزمینی در جامعه ایران دارد. در همین راستا، در گام نخست به معرفی جرم‌شناسی سبز، به عنوان بستر مطالعاتی جرایم علیه منابع آبی زیرزمینی، خواهیم پرداخت و پس از آن به بررسی اقسام بزهدیدگی جرایم علیه منابع آب زیرزمینی می‌پردازیم. در ادامه‌ی اثر به ارزیابی تفصیلی دو مشخصه اصلی سندرم بزهدیدگی جرایم علیه منابع آب زیرزمینی در ایران، یعنی ماهیت بزهدیدگی این جرایم و امنیت اخلاقی کاذب در جامعه خواهیم پرداخت.

۱. علت‌شناسی سندرم بزهدیدگی منابع آبی زیرزمینی در پرتو جرم‌شناسی انتقادی

جرم‌شناسی سبز همانند بسیاری از شاخه‌های دیگر جرم‌شناسی انتقادی تحولات مفهومی متعدّد و نامتقارنی را پشت سر گذاشته و دستاوردهای نوین آن را باید معلول همین تحولات مفهومی

1. Environmental Victimization Syndrome

۲. نشانگان که معادل فارسی واژه Syndrome است، به مجموعه‌ای از نشان‌ها و علائم بالینی اطلاق می‌شود که حاکی از وجود اختلال و یا بیماری خاصی در فرد می‌باشد. با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای جرم‌شناسی، واژه سندرم وارد ادبیات علوم جنایی شده است و چه بسا با استفاده از واژه نشانگان نتوان مفهوم سندرم را به خوانندگان منتقل نمود. امیدواریم که با گسترش آثار این حوزه و آشنایی بیشتر جامعه با این مفهوم در بستر مطالعات جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی، جامعه علمی آمادگی پذیرش معادل فارسی این واژه را داشته باشد.

برشمرد. تحول تاریخی این شاخه از جرم‌شناسی از اصطلاح جرایم یقه سفید تا اصطلاح جرم سبز، جرم‌شناسی سبز تا جرم‌شناسی زیست محیطی و تمایز دو حوزه جرم‌شناسی سبز و جرم‌شناسی اکوانتقادی^۱ حاکی از نگاه‌های علت‌شناسانه متفاوت جرم‌شناسان به این شاخه نوظهور از جرم‌شناسی می‌باشد (گرچی فرد، ۱۳۹۵:۳۷). در همین راستا، در این قسمت بر آن هستیم تا علل تحولات مفهومی جرم‌شناسی سبز را از منظر خواستگاه اصلی آن یعنی جرم‌شناسی انتقادی بررسی نماییم، چرا که؛ هرگونه علت‌شناسی سندرم بزه‌دیدگی منابع آبی زیرزمینی به عنوان یکی از آسیب‌های زیست‌محیطی، بدون توجه به تکیه‌گاه‌های نظری جرم‌شناسی انتقادی بی‌فایده خواهد بود.

۱.۱. جرم‌شناسی سبز، رویکردی نوین در برابر ناپهنجاری‌های زیست‌محیطی

افزایش آسیب‌های زیست‌محیطی در اثر حرکت لجام گسیخته انسان معاصر برای پیشرفت، در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ گروهی از *جرم‌شناسان انتقادی*^۲ را بر آن داشت تا با نگرشی سبز (زیست‌محیطی)^۳، توجه خود را به علل و پیامدهای رفتارهای ناپهنجار زیست‌محیطی متمرکز کنند (South, 1990: 3). نتیجه این جهت‌گیری نوین، *جرم‌شناسی سبز*^۴ است که به عنوان یکی از شاخه‌های جدید جرم‌شناسی انتقادی، به منصفه ظهور رسید.

نگاه متفاوت جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان، منجر به ارائه تعاریف مختلفی از جرایم زیست‌محیطی شده است و "نمی‌توان انتظار داشت که بتوان همه دلایل وقوع آسیب‌زیست محیطی خاصی را در یک نظریه جرم‌شناسی یافت" (White, 2003:493). گروهی، جرم را مخلوق قانون دانسته و با پذیرش *دیدگاه قانونی*^۵، «هر فعل یا ترک فعلی را که به موجب نص قانون برای آسیب‌رساندن به محیط زیست ممنوع شده است» را جرم می‌دانند (Situ & Emmons, 2000: 3). ساترلند، جامعه‌شناس معروف در این گروه جای دارد. وی با پذیرش عدم قانونگذاری جامع و مانع، در اثر معروف خود، جرم یقه‌سفید^۶، ضمن پذیرش عدم انعکاس همه رفتارهای آسیب‌رسان در قوانین، ضابطه عمل غیرقانونی^۷ را به عنوان مبنایی برای تعریف جرم برگزیده است (Sutherland, 1949:9). بنابر این تعریف، آن دسته از رفتارهای آسیب‌رسان زیست‌محیطی که در قانون ذکر نشده‌اند، جرم نیستند.

1. Eco Critical Criminology
2. Critical Criminology
3. Green Perspective
4. Green Criminology
5. Legal Approach
6. White Collar Crime
7. Illegal Act

در مقابل، گروهی دیگر از جرم‌شناسان با توجه به علل وقوع آسیب‌های کلان و پرخطر زیست‌محیطی، دیدگاه **عدالت زیست‌محیطی**^۱ را برگزیدند و بر این باورند که دستگاه عدالت کیفری نباید از دلایل اصلی رفتارهای مخرب زیست‌محیطی غفلت ورزد. به نظر این گروه، «منحصر ساختن رفتارهای آسیب‌رسان به جرایم مندرج در قانون، به تعریف مضیق جرم می‌انجامد» (Siegel, 2013: 46) و با مقتضای عدالت همخوانی ندارد. همچنین برخی از قانون‌گذاران، شماری از رفتارهای آسیب‌رسان را جرم‌انگاری نمی‌نمایند (White & Heckenberg, 2014: 256). از این‌رو، آنان با توسعه مفهوم جرم بر این عقیده‌اند که همه اشکال آسیب‌های زیست‌محیطی فارغ از درج آنها در قانون، جرم هستند. طبق این دیدگاه بسیاری از آسیب‌های زیست‌محیطی که توسط دولت‌ها، شرکت‌ها و گروه‌های قدرت ارتکاب می‌یابند و در قانون ذکر نشده‌اند نیز جرم هستند (وایت، ۱۳۹۵: ۳۹).

خواستگاه این تعریف در اندیشه جرم‌شناسان انتقادی است. جرم‌شناسان انتقادی سبز، فراتر از مکاتب اولیه علت جرم را در عوامل کلان و ساختاری جستجو می‌نمایند. **مارکسیسم زیست‌محیطی**^۲، با بهره‌گیری از مطالعات بنیادین و میدانی به انتقاد از تمرکز جرم‌شناسان سنتی به جرایم طبقه فاقد قدرت پرداخته و توجه جرم‌شناسان را به رفتارهای مخرب زیست‌محیطی نظام سرمایه‌داری، به عنوان ابزاری برای توسعه سرمایه‌داری جلب می‌نماید (Burkett: 2009, 2014). Foster: (1992, 2000, 2002; O'Connor: 1988) در مقاله "سرمایه‌داری، طبیعت و سوسیالیسم: مقدمه‌ای نظری"، با عبور از نظریه سنتی بحران سرمایه‌داری (نظیر مصرف بیش از حد کمبود تولید، کاهش دستمزدها و ...)، توجه جامعه‌شناسان را به سرمایه‌داری طبیعت^۴ جلب نمود (O'Connor, 1988: 21).

استفاده بی‌رویه و بی‌ضابطه از منابع طبیعی، برای دستیابی به تولید و در نتیجه قدرت بیشتر از نگاه مارکسیست‌های زیست‌محیطی پنهان‌نمانده است. به نظر آنها، توزیع مالکیت در جامعه سرمایه‌داری دسترسی به طبیعت را تحت تأثیر قرار داده و در اختیار طبقات بالای جامعه قرار می‌دهد. تغییرات آب و هوایی، تردمیل حشره‌کش‌ها،^۵ آلودگی‌های صنعتی، از بین بردن گونه‌های حیوانی و طبیعی، تخریب زیست‌بوم‌های طبیعی برای ایجاد راه‌های ارتباطی از لوازم تولید در جامعه سرمایه‌داری می‌باشند (Foster, 1992: 78-79). توسعه روزافزون سرمایه‌داری، تقاضای

1. Environmental Justice Approach
2. Ecological Marxism
3. O'Connor
4. Capitalization of Nature
5. The Pesticide Treadmill

استفاده بیشتر از زیست‌بوم طبیعی توسط صاحبان سرمایه و در نتیجه، تخریب بیشتر زیست‌بوم را در پی خواهد داشت. به نظر آنان، بسیاری از انواع آسیب‌های زیست‌محیطی کلان توسط طبقه صاحب قدرت اقتصادی انجام شده و افراد طبقه پایین جامعه امکانات و توانایی انجام این جرایم را ندارند. با توجه به نفوذ و جایگاه این گروه از مجرمان در نظام عدالت کیفری، آسیب‌های کلان زیست‌محیطی جرم‌انگاری نمی‌شوند و یا در صورت درج در قانون، از عبارات مبهم و دوپهلوی برای جرم‌انگاری آنها استفاده می‌شود. همچنین، عدالت کیفری نیز با این دسته از مجرمان با تسامح برخورد می‌کند. چرا که، جرایم زیست‌محیطی ارتكابی توسط آنان را تعقیب نمی‌کند یا در صورت تعقیب به مرحله صدور حکم نمی‌رسد، یا احکام خفیفی برای آنها صادر می‌شود و یا اینکه کیفرهایشان به اجرا گذاشته نمی‌شود. نتیجه آنکه، ریشه اختلافات موجود در ارائه تعریفی واحد از جرم‌شناسی سبز را باید در مبانی این رشته جستجو کرد.

۲.۱. تحوّل مفهوم بزه‌دیدگی سبز: تلاشی برای تحقق عدالت زیست‌محیطی

دست‌یازی ابناء بشر به طبیعت، نه تنها موجب تحمّل درد و رنج عظیم بر هم‌نوعانش شده، بلکه؛ زیست‌بوم طبیعی را هم دستخوش افزون‌طلبی و جهالت انسان مدرن ساخته است. صیانت از حقوق سایر موجودات زنده در مقابل جرایم سبز، از طریق به رسمیت شناختن آنها به عنوان قربانی جرم میسر خواهد بود. برخی از جرم‌شناسان با تکیه بر دیدگاه‌های انسان‌مدارانه^۱، جرایم زیست‌محیطی را در زمره جرایم بدون بزه‌دیده^۲ قرار می‌دهند (Sollund & others, 2016:6). یکی از مهم‌ترین علل ظهور بزه‌دیده‌شناسی سبز (زیست‌محیطی)^۳ را می‌توان در نادیده‌انگاشتن بزه‌دیدگی موجودات غیرانسانی^۴ جستجو کرد. بزه‌دیده‌شناسان سبز با اتخاذ دیدگاه زیست‌محیطی^۵، نگاهی ابزاری^۶ و یا سودانگاران^۷ به زیست‌بوم را رد نموده و براین باورند که «زیست‌بوم طبیعی نیز در صورت بروز رفتار نابهنجار یا غیرقانونی بزه‌دیده می‌گردد» (Spapens & Others, 2016:144). به‌عنوان نمونه، در اثر تخلیه فاضلاب‌ها و پسماندهای صنعتی در زیرزمین؛ خاک، منابع آب زیرزمینی و تمام گونه‌های گیاهی و حیوانی موجود در خاک بزه‌دیده می‌شوند.

1. Anthropocentric Approach
2. Victimless Crimes
3. Green / Environmental Victimology
4. Non-human Entities
5. Ecocentrism Approach
6. Instrumental
7. Utilitarian

خسارات و آسیب‌های بلندمدت جرایم زیست‌محیطی، برخی از جرم‌شناسان سبزر را بر آن داشت تا علاوه بر اشخاص و طبیعت، نسل‌های آیندهٔ انبای بشر را که از فعل یا ترک فعل عامدانه یا غیرعامدانه ناشی از تغییرات شیمیایی، فیزیکی و میکروبیولوژی و یا روانی-اجتماعی زیست‌محیطی آسیب دیده‌اند را هم به عنوان بزه‌دیدگان بالقوهٔ جرایم زیست‌محیطی به رسمیت بشناسند- (Spapens & others, 2016:143). چرا که، در بعضی موارد آیندگان میراث‌دار پیامدهای جرایم زیستی پیشینیان خواهند شد. تمایز قایل شدن بین قربانیان حال و آینده و محروم ساختن گروه دوم از حق دسترسی به عدالت^۱ و جبران خسارت منصفانه،^۲ با اصول بنیادین حقوق بشر منافات خواهد داشت.^۳ کمیتهٔ حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۲ در پروندهٔ *ای اچ پی علیه دولت کانادا*^۴ این نظر را پذیرفت^۵ و به یکی از مدیران گروه محیط زیستی اجازه داد به عنوان نمایندهٔ نسل حاضر و آینده به ارائهٔ دفاعیات بپردازد. بنابراین، با پذیرش رویکرد دوّم، بزه‌دیدگان زیست‌محیطی همهٔ انسان‌ها و آیندگان آنها و تمام زیست‌بوم طبیعی را در برمی‌گیرد. به عنوان نمونه بیماری‌های ناشی از ورود فلزات سنگین همچون آرسینیک به منابع آب زیرزمینی، می‌تواند منجر به بروز بیماری‌هایی نظیر سرطان در نسل‌های آینده شود و آنها را قربانی جرایم اسلافشان سازد.

۲. علّت‌شناسی سندرم بزه‌دیدگی منابع آبی زیرزمینی در جمهوری اسلامی ایران

باوجود رویارویی با دورهٔ جدیدی از بحران آب و لزوم تأکید بیش از پیش بر امنیت آبی، جرایم علیه منابع آب زیرزمینی همچنان ادامه دارد. نگاهی گذرا به آراء محاکم دادگستری نشان می‌دهد که چنانچه جامعه خطر بزه‌دیدگی را حس نماید، برای احقاق حق خود تلاش کرده و در بسیاری از موارد از حق جبران خسارت گذشت نخواهد کرد. امّا، این امر در مورد جرایم علیه منابع آب زیرزمینی صدق نکرده و بزه‌دیدگان این جرم در بسیاری از موارد در خاموشی کامل به سر می‌برند.

1. Access to Justice

2. Fair Reparation

۳. این موضع در برخی از اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق بشری نیز اتخاذ شده است. به عنوان نمونه، ماده‌ی اول کنوانسیون دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی به عدالت در موضوعات زیست محیطی (معروف به آرهاس) مصوب ۱۹۹۸ کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا، بدون هیچگونه تمایزی، همه‌ی افراد را فارغ از اینکه در زمان بروز آسیب متولد شده‌اند یا خیر، در زمره‌ی ذینفعان بهره‌مندی از حق محیط‌زیست سالم قرار داده است (UNECE, 1998: Art 1).

4. E.H.P. v. Canada

۵. در این پرونده به دلیل ملاحظاتی، نام شاکی آورده نشد و در آراء از این عنوان استفاده شده است.

در این قسمت با نگاهی جرم‌شناسانه و با تأکید بر آموزه‌های جامعه‌شناسی حقوقی به بررسی دو دلیل عمده سکوت جوامع به خصوص جامعه ایران در برابر جرایم علیه منابع آب زیرزمینی خواهیم پرداخت.

۱.۲. چالش شناسایی بزه‌دیدگان در پرتو ماهیت متمایز جرایم علیه منابع آبی زیرزمینی
یکی از عللی که افکار عمومی را از آثار دهشتناک جرایم علیه منابع آبی زیرزمینی غافل می‌گرداند، به ماهیت این جرایم بازمی‌گردد. قتل ناشی از ضرب و جرح، بسیار ملموس‌تر از قتلی است که در نتیجه استفاده از منابع آب زیرزمینی ناسالم به وقوع می‌پیوندد. در این قسمت درصدد بررسی نقش طبیعت متفاوت جرایم علیه منابع آب زیرزمینی در عادی پنداشتن بزه‌دیدگی این جرایم و شکل‌گیری سندرم بزه‌دیدگی هستیم. در همین راستا، در قالب دو قسمت به بررسی ابعاد ماهیت جرایم علیه منابع آبی زیرزمینی خواهیم پرداخت.

۱.۱.۲. نامرئی بودن آسیب‌ها

نتایج بسیاری از رفتارهای مجرمانه علیه منابع آبی زیرزمینی، مانند بسیاری از جرایم زیست‌محیطی دیگر برای افراد عادی قابل ملاحظه نبوده و نامرئی^۱ هستند. «بسیاری از جرایم زیست‌محیطی محسوس نیستند یا کشف نمی‌شوند و تا مدت‌ها اثری از خود باقی نمی‌گذارند تا بدین طریق بتوان آنها را کشف کرد» (Korsell, 2001:133). از این‌رو، رقم سیاه جرایم زیست‌محیطی نسبت به سایر جرایم بسیار بیشتر می‌باشد. بر اساس نتایج تحقیقات برخی از پژوهشگران این حوزه، «ناشناخته بودن جرایم زیست‌محیطی سبب می‌شود که غالب این جرایم رقم سیاهی بین ۲۰٪ تا ۴۰٪ داشته باشند و در برخی موارد این عدد به ۹۰٪ هم می‌رسد» (Pereira, 2015:10). از این‌رو، بزه‌دیدگان این دسته از جرایم بالتبع رفتار مجرمانه ناملموس، قابل شناسایی نیستند و می‌توانیم آنها را **بزه‌دیدگان مبهم**^۲، در مقابل بزه‌دیدگان جرایم خیابانی که **بزه‌دیدگان محسوس**^۳ هستند، بنامیم.

آخرین نتایج تحقیقات مرکز ارزیابی منابع آبی زیرزمینی بین‌المللی^۴ حاکی از آن است که غیرملموس بودن منابع آبی زیرزمینی برخلاف منابع آب سطحی، منجر به نادیده‌گرفتن سوءاستفاده

1. Invisible
2. Obscure Victims
3. Visible Victims
4. International Groundwater Resources Assessment Centre



از این منابع در بسیاری از کشورها شده است (IGRAC, 2018:5). نتیجه نامرئی بودن این آسیب‌ها، آسان بودن ارتکاب این جرایم در مقایسه با بسیاری از جرایم زیست‌محیطی دیگر است. به عنوان نمونه، آلودگی آب‌های زیرزمینی دشت برازجان به نیترا در اثر عدم کنترل مصرف کودهای نیترا ته و ورود پساب‌های دامداری‌ها و مرغداری‌های منطقه (مظفری‌زاده و سجادی، ۱۳۹۳: ۹۳۶-۹۳۵)، افت سطح آب‌زیرزمینی و شوری آب منابع آب زیرزمینی دشت سرخس در بخش شمالی و جنوبی سد دوستی (فخاری، ۱۳۹۳) و بسیاری از رفتارهای آسیب‌رسان دیگر تا مدت‌ها مخفی مانده بودند. بنابراین، اگرچه که مردم می‌توانند قتل، سرقت به عنف، ضرب و جرح و تخریب اموال عمومی را مشاهده نمایند، اما؛ جرایم علیه آب‌های زیرزمینی از دید بسیاری از شهروندان پنهان است. افراد عادی حق ورود به صنایع و کارخانجات بزرگ را ندارند و در صورت مخفی ساختن آسیب‌ها توسط مرتکبان و عدم پیشگیری از آسیب‌ها توسط نهادهای نظارتی این رفتارها همچنان ادامه می‌یابند.

اهمیت نامرئی بودن آسیب‌ها و عدم پیشگیری از رفتارهای آسیب‌رسان زمانی برجسته‌تر می‌شود که بدانیم بسیاری از جرایم علیه منابع آب زیرزمینی، منجر به ایجاد زنجیره‌ای از آسیب‌های انسانی و زیست‌محیطی شده و بر شمار بزه‌دیدگان و خسارات وارده افزوده می‌شود. بیماری‌های احتمالی ناشی از خشک شدن دریاچه ارومیه یکی از مهمترین نمونه‌های گسترش دامنه بزه‌دیدگان جرم دست‌یازی به منابع آب‌زیرزمینی مجاور دریاچه‌ها در کشورمان می‌باشد. چراکه، علاوه بر تخریب دریاچه و از بین رفتن زیست‌بوم طبیعی، بنابر سخنان مدیر دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه، البیدو یا اشعه نوری بازگشتی از کف دریاچه ارومیه افزایش یافته و با انجام آزمایش‌های پزشکی بر روی ۸۸ فرد ساکن در کانون غبار منطقه، وجود مشکلات تنفسی در تعداد قابل توجهی از آنان احراز گردیده است (ایسنا، ۱۳۹۵).

رفتارهای مخرب زیست‌محیطی علاوه بر جسم، روح انبای بشر را نیز آماج خود قرار می‌دهند. بنابر تحقیقات اخیر پژوهشگران داخلی و خارجی، وجود همبستگی مثبت میان آسیب‌های زیست‌محیطی و سلامت روانی ساکنان مناطق آلوده به اثبات رسیده است (ظاهری و مجنون، ۱۳۹۷؛ Sass, Et al. 2017؛ Pun Et al. 2016؛ Mieczyslaw Et al. 2016). دانشمندان وجود «ارتباط مستقیم بین مشکلات روانشناختی (نظیر اضطراب، افسردگی، تحریک پذیری، بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی) با آلودگی منابع آبی زیرزمینی را تأیید کرده‌اند» (Williams, 1999).

نادیده‌گرفتن پیامدهای مخرب جرایم علیه منابع آب زیرزمینی، شناسایی بزه‌دیدگان این جرایم را بسیار دشوار می‌سازد. چرا که، بسیاری از این جرایم کشف نمی‌شوند و یا باوجود ورود آسیب‌های بسیار، قربانیان این جرم از منشأ رفتارهای آسیب‌رسان مطلع نخواهند شد. در نتیجه،

سندرم بزه‌دیدگی جرایم زیست‌محیطی در پوستهٔ فعالیت‌های انسانی همچنان ادامه داشته و جز عادی از زندگی روزمره قلمداد می‌شود.

۲.۱.۲. بلندمدت بودن آسیب‌ها

شمار بسیاری از آسیب‌های زیست‌محیطی، برخلاف جرایم سنتی، فاقد تأثیرات آنی هستند و تا مدت‌ها بعد از وقوع جرم پنهان می‌مانند. از این‌رو، غالب جرایم زیست‌محیطی با مشخصهٔ **بلندمدت بودن**^۱ آسیب‌ها شناخته می‌شوند. برخی از بزه‌دیدگان زیست‌محیطی تا دهه‌ها از ارتکاب جرم علیه خودشان مطلع نشده (Eman, 2012: 136) و به همین دلیل، فرآیند اجرای عدالت به علت عدم بروز آسیب‌ها تا مدت‌ها به طول خواهد انجامید. آسیب‌های ناشی از برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی همچون نشست زمین، شوری آب و کاهش سطح آب در سفره و در آخر تخلیهٔ کامل آبخوان به یک باره آشکار نخواهند شد، بلکه؛ پس از سپری شدن سالیان طولانی اثرات خود را نشان خواهند داد.

نمونهٔ بارز این امر را می‌توان در تبدیل شدن دریاچهٔ ارومیه به **پلایا**^۲ مشاهده کرد. تراز آب این دریاچه برای افراد عادی قابل درک نبوده و بدون گذشت زمان و تغییر محسوس در حجم آب توانایی تشخیص ارتکاب جرم زیست‌محیطی علیه آن را نداشتند. مثال‌هایی از این نوع مبین این امر است که ظهور پیامدهای مخرب جرایم علیه منابع آب زیرزمینی مدت‌ها بعد از ارتکاب جرم، نقش چشمگیری در تقویت سندرم بزه‌دیدگی دارد. چرا که، شناسایی بزه‌دیدگان بسیار دشوار و گاهاً غیرممکن می‌باشد و حتی در برخی از موارد بزه‌دیدگان این جرایم به فراموشی سپرده می‌شوند. از این‌رو، هرگونه پیشگیری از بزه‌دیدگی بیشتر، مستلزم کشف سریع این جرایم و تعیین بزه‌دیدگان فعلی بوده و سایر بزه‌دیدگان احتمالی، باید پس از بروز پیامدهای بلندمدت شناسایی شوند.

۲.۲. امنیت اخلاقی، حاشیه‌ای امن برای بزهکاری علیه منابع آب زیرزمینی

«کوهن» جامعه‌شناس معروف اهل آفریقای جنوبی، برای نخستین بار از واژهٔ **هراس اخلاقی**^۳ استفاده کرد. هراس اخلاقی به هرگونه ترس غیرمعقول و گسترده نسبت به تهدید ارزش‌ها، منافع و امنیت اجتماعی اطلاق می‌شود. موج هراس اخلاقی اغلب با پوشش وسیع رسانه‌ای آغاز شده و

1. Long Term

۲. پلایا یا بستر نمکی (playa)، به زمین‌های پوشیده شده از گل، خاک رس و نمک اطلاق می‌شود. این زمین‌ها، زمانی بستر دریاچه بودند.

3. Moral Panics

توسط اندیشمندان و فلاسفه تشدید می‌شود و در صورت استمرار تشویش اذهان عمومی، در قالب قوانین و سیاست‌ها به نتیجه می‌رسد (Cohen, 1973). به همان نسبت که کنشگران هراس اخلاقی (رسانه، مردم و دولت) در تقویت شوک روانی نقش دارند، سهم چشمگیری نیز در ایجاد امنیت روانی کاذب ایفا می‌کنند. چرا که، منافع گروه‌های ذینفع همواره در ایجاد دغدغه در جامعه نمی‌باشد، بلکه بالعکس؛ هرگونه تولید، فعالیت و ادامه حیات اقتصادی و اجتماعی آنها منوط به وجود ثبات روانی در جامعه است و تغییر وضعیت و فعالیت گروه‌های ناراضی، مانع از ادامه فعالیت و سودآوری آنها خواهد شد.

بنابراین، برعکس اندیشه هراس اخلاقی که ترس نامعقولی در جامعه حکمفرما است، در امنیت اخلاقی موجی از احساس آرامش نامعقول در جامعه ایجاد می‌شود و شرایط موجود مثبت قلمداد می‌شود. در این حالت، مطالبه‌گری افکار عمومی برای **عدالت زیست‌محیطی** کاهش می‌یابد و مجرمان زیست‌محیطی در حاشیه‌ای امن رفتارهای مخرب خود را ادامه می‌دهند. در چنین شرایطی، بزه‌دیدگی زیست‌محیطی کتمان شده و یا پدیده‌ای حاشیه‌ای و کم‌خطر تلقی می‌شود و در قالب سندرمی که جزئی از زندگی روزمره است، به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

باتوجه به قرار داشتن کشور ما در کمربند خشکسالی و وجود فجایع بی‌شمار علیه منابع آبی به‌ویژه آب‌های زیرزمینی، در این قسمت به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که چرا در جامعه امروز ایران موجی از هراس اخلاقی نسبت به جرایم علیه منابع آب زیرزمینی جاری وجود ندارد؟ آیا بین امنیت اخلاقی نسبت به منابع آب زیرزمینی و فقدان سیاست تقنینی کارآمد ارتباطی وجود داد؟ آیا عدالت زیست‌محیطی دستخوش واکنش اندک سیستم قضایی شده است؟ آیا گروه‌های ذینفع در حساسیت پایین (یا تحمل بالای) جامعه نسبت به رفتارهای آسیب‌رسان زیست‌محیطی تأثیرگذار هستند؟

۱.۲.۲. سیاست تقنینی سهل‌گیرانه نسبت به جرایم علیه منابع آب زیرزمینی

باوجود کثرت‌گرایی اخلاقی^۱، **اخلاق زیست‌محیطی**^۲ مورد پذیرش غالب جوامع و گروه‌ها بوده و همگان خواهان بهره‌مندی از محیط زیست سالم و عدم تهدید حیات خود می‌باشند. از این‌رو، بزهکاران زیست‌محیطی، برخلاف برخی از بزهکاران آسیب‌رسان به منافع شخصی، **دشمن مشترک**^۳ قلمداد می‌شوند. در نتیجه، قوانین زیست‌محیطی همواره ارزشمند هستند. از طرفی

1. Moral pluralism
2. Environmental Ethics
3. Common Enemy

دیگر، وجود قوانین کارآمد زیست‌محیطی، حاکی از ارزش جسم و روح شهروندان نزد قانون‌گذاران می‌باشد. در این قسمت نقش سیاست تقنینی جمهوری اسلامی ایران را در ایجاد و یا تقویت امنیت اخلاقی و طبیعی پنداشتن بزه‌دیدگی جرایم علیه منابع آب زیرزمینی بررسی خواهیم کرد.

۲.۲.۱.۱. جرم‌انگاری رفتارهای آسیب‌رسان علیه آب‌های زیرزمینی فرامرزی^۱

برخی از جرایم زیست‌محیطی نظیر آلودگی‌های دریایی ناشی از اکتشاف و انتقال برون‌مرزی مواد زائد خطرناک ماهیت بین‌المللی دارند و حیات همه شهروندان دهکده جهانی را تهدید می‌نمایند. کشور ما نیز به دلیل داشتن دو شاهراه آبی، صدمات بسیاری از آلودگی‌های زیست‌محیطی دیده است. به‌عنوان نمونه، آلودگی دریای خلیج فارس در اثر هیدروکربن‌های کلره و همچنین آلودگی دریای خزر در اثر فعالیت اسکلته نفتی کشورهای روسیه و آذربایجان و سوانح نفتی از جمله جرایم زیست‌محیطی فرامرزی است که سلامت زیست بوم و شهروندان ایرانی را نشانه گرفته است.

با نگاهی گذرا به قوانین زیست‌محیطی جمهوری اسلامی ایران می‌توان دریافت که علی‌رغم تورم قوانین کیفری این حیطة، بسیاری از جرایم زیست‌محیطی فرامرزی از نگاه قانونگذار پنهان مانده و یا چه بسا عمداً دیدگان خود را در مقابل این فجایع فرو بسته است. به‌عنوان نمونه، استخراج غیراستاندارد نفت توسط ایران در دریای خزر و خلیج فارس و سرایت آن به کشورهای مجاور جرم تلقی نمی‌شود (دانش‌ناری، ۱۳۹۲: ۶۵). مقنن کشورمان با حفظ این رویکرد در مورد جرایم علیه منابع آبی زیرزمینی فرامرزی، بسترهای قانونی خاصی را برای این جرایم در نظر نگرفته است. در حالی که، هرگونه صیانت از آب‌های زیرزمینی فرامرزی به‌عنوان دارایی مشترک کشورهای حوزه آبخیز، از طریق تدوین و اجرای چهارچوب‌های حقوقی جامع و مانع ممکن خواهد بود. اهمیت وجود مقررات و موافقت‌نامه‌های فرامرزی از آن روست است که در بسیاری از موارد کشورهای ذینفع به اصول بنیادین حقوق بین‌الملل عرفی، نظیر *اصل همسایگی خوب*^۲ و *اصل حاکمیت سرزمینی مضیق*^۳ پایبند نمی‌مانند و یا حتی آنها را عرف بین‌المللی به‌شمار نمی‌آورند. به‌عنوان نمونه، قاضی کل ایالات متحده در پاسخ به اعتراضات دولت مکزیک برای استفاده ناصحیح این کشور از منابع آبی زیرزمینی، با توجه به فقدان توافق‌نامه مشترک بهره‌مندی از این منابع،

1. Trans Boundary Ground Water

۲. به موجب اصل همسایگی خوب (Principle of Good Neighbourhood)، برای دستیابی به منافع ملی، نمی‌توان حقوق و منافع سایر همسایگان را پایمال نمود. در نتیجه، «دولت‌ها نباید از سرزمینشان برای نقض حقوق سایر دولت‌ها استفاده نمایند و با اجازه‌ی ارتکاب اعمال ناقض حق سایر کشورها را بدهند» (Beyerlin, 1997: 539).

3. Principle of Limited Territorial Sovereignty

قاطعانه اعلام کرد که «قواعد و عرف‌های حاکم بر حقوق بین‌الملل تعهدی برای ایالات متحده ایجاد نمی‌نماید» (Schwabach, 2018:3). در نظام حقوقی کشورمان نیز با وجود قوانین و موافقت‌نامه‌های فرامنطقه‌ای برای بهره‌مندی و صیانت از آب‌های بین‌المللی مشترک، اشاره‌ای به منابع آبی زیرزمینی فرامرزی نشده و قوانین و موافقت‌نامه‌هایی هم برای مدیریت آبخوان‌های مشترک با کشورهای همسایه وضع نشده است. در حالی که، فقدان هرگونه قانون و موافقت‌نامه بین‌المللی مشکلات بسیاری را به وجود می‌آورد. به‌عنوان نمونه، در صورت آلودگی منابع آب زیرزمینی در آنسوی مرزها، منابع آب زیرزمینی در کشور مجاور نیز آلوده خواهد شد. مصداق بارز این حالت را می‌توان در اقدامات دولت ترکمنستان برای سرقت و بهره‌برداری مستمر از آب‌های زیرزمینی مشترک با کشورمان مشاهده کرد. دولت ترکمنستان با حفر چاه‌های عمیق در مناطق مرزی مشترک با ایران در شیروان و استحصال آب‌های زیرزمینی مشترک، این شهر را با مشکل کم آبی مواجه کرده و منابع آبی این منطقه را به سرقت برده است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲).

نبود چهارچوب‌های حقوقی داخلی برای پیشگیری از ورود آسیب و بهره‌مندی ناعادلانه از منابع آبی زیرزمینی فرامرزی و نادیده گرفتن آسیب به این منابع ملی، این اندیشه را به ذهن متبادر می‌کند که کشورهای درگیر در این عرصه از جمله کشورمان، علاقه‌ای به درگیر ساختن خود در فرآیند حقوق کیفری بین‌المللی ندارند. از طرفی دیگر، حقیقت امر آن است که افکار عمومی جامعه آگاهی چندانی از وضعیت منابع آب زیرزمینی فرامرزی مشترک ندارند و چشم‌پوشی مقتن از تدوین چهارچوب‌های قانونی لازم برای صیانت از این منابع، نوعی آرامش خاطر کاذب در جامعه ایجاد می‌نماید. آرامشی که ناشی از عدم اطلاع از آسیب‌های جبران‌ناپذیر وارد بر سرمایه ملی می‌باشد. نتیجه این وضعیت، فقدان مطالبه‌گری جامعه از قوای مقننه و قضائیه و گسترش سندرم بزهدیدگی منابع آبی زیرزمینی می‌باشد.^۱

۲.۲.۱.۲. جرم‌انگاری رفتارهای آسیب‌رسان علیه آب‌های زیرزمینی داخلی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بالاترین سند حقوقی کشور در اصل چهل و پنجم، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی را جزء انفال و ثروت‌های عمومی برشمرده و به موجب اصل پنجاه، هرگونه فعالیت منتج به آلودگی یا تخریب غیرقابل جبران به محیط زیست را

۱. لازم به ذکر است که رسانه‌ای شدن موضوع سرقت منابع آب زیرزمینی فرامرزی کشورمان، مسئولان جمهوری اسلامی ایران را در اقدامی دیرهنگام به فکر تنظیم سندهای آب‌های زیرزمینی، آب‌های مشترک مرزی و دیپلماسی آب انداخته است، سندی که هنوز به مرحله تصویب نرسیده و تراج ثروت عمومی همچنان ادامه دارد.

ممنوع ساخته است. قانونگذاران کشورمان نیز در دوره‌های قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، از این مهم غافل نبوده و برخی از اشکال آسیب‌های زیست‌محیطی را ممنوع ساختند. به عنوان نمونه، قانون مجازات اخلاقی در تأسیسات آب و برق و گاز و مخابرات کشور مصوب ۱۳۵۱، قانون اصلاح قانون جلوگیری از تصرف عدوانی مصوب ۱۳۵۲، لایحه قانونی راجع به تجاوز به اموال عمومی و مردم اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی مصوب ۱۳۵۸، قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱، آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب سال ۱۳۶۶، ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳ و تبصره ۸۳ قانون برنامه پنج ساله دوم، ماده ۱۰۴ قانون برنامه پنج ساله سوم و فصل ششم قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ از مهم‌ترین این قوانین می‌باشند.

پرسشی که در این رابطه به ذهن متبادر می‌شود این است که با وجود ضمانت‌اجراهای کیفری در حوزه محیط‌زیست و امکان رجوع قضات به مواد عمومی مذکور برای تحمیل کیفر بر بزهکاران جرایم علیه منابع آبی زیرزمینی، چرا بزهکاران خرد و کلان (صنایع و شرکت‌های بزرگ و حتی صنایع دولتی) هراس چندانی از اجرای عدالت ندارند و در حاشیه‌ای امن به رفتارهای مجرمانه خود ادامه می‌دهند؟

یکی از دلایل عادی پنداشتن سندریم بزه‌دیدگی جرایم علیه منابع آبی، به‌ویژه آب‌های زیرزمینی در کشورمان را می‌توان در **پراکندگی جرم‌انگاری‌ها** مشاهده نمود. مدل قانونگذاری جرایم علیه منابع آب از شیوه‌ای یکسان تبعیت نمی‌کند و رویه‌ای متفاوت برای جرایم یکسان در پیش گرفته است. در نتیجه، با وجود بحران آبی در کشور و آسیب‌های زیست‌محیطی فراوان ناشی از بین رفتن منابع آب زیرزمینی، هنوز مجموعه قانونی که بطور مستقل رفتارهای آسیب‌رسان به این حیطه را جرم‌انگاری نمایند، وجود ندارد. نتیجه این پراکندگی جرم‌انگاری را می‌توان در تعیین مجازات‌های متعدد برای رفتار واحد مشاهده کرد.

از سویی دیگر، در بسیاری از موارد، مقنن **بدون توجه به اصول قانون‌نویسی**، صرفاً بر سیاهه قوانین افزوده و راه‌گریز مرتکبین از چنگال عدالت را فراهم نموده است. به عنوان مثال، ماده ۴۶ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ آلوده کردن منابع آبی را ممنوع ساخته، لیکن در صورت ارتکاب این عمل، هیچ ضمانت‌اجرایی تعیین نکرده است. گویی ماده مذکور در مقام بیان قاعده‌ای اخلاقی است. درحالی‌که، مقنن معلّم اخلاقی نبوده و زمانی می‌تواند در مقام صیانت از ارزش‌های اخلاقی برآید که برای آنها ضمانت‌اجرا تعیین نماید. این سهل‌انگاری مقنن هنگامی برجسته‌تر می‌شود که در ماده ۴۵، برای متصرفان بدون مجوز حق آب دیگری کیفر اعاده وضع به حالت سابق، تحمل مجازات ۱۰ تا ۵۰ ضربه شلاق و با ۱۵ روز حبس تأدیبی و جبران خسارت

وارد شده پیش‌بینی نموده است، ولی؛ برای آلوده‌کنندگان منابع آبی هیچ‌گونه مجازاتی در نظر نگرفته است (خالقی و رشنوادی، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

همچنین، در موارد بسیاری **ضمانت‌اجراهای قانونی نامتناسب با عمل مجرمانه** نیز نقش چشمگیری در تقویت سندرم بزه‌دیدگی منابع آبی زیرزمینی ایفا می‌کنند. این ضمانت‌اجراها ارزش واقعی بزه‌دیدگان این جرایم را منعکس نمی‌نمایند و این تصور در جامعه ایجاد می‌شود که جرایم علیه منابع آب زیرزمینی لطمات جبران‌ناپذیری به منافع عمومی وارد نمی‌کنند. به‌عنوان نمونه بنابر ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، تهدیدکنندگان بهداشت عمومی در صورتی که طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند، به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. مقنن برای مرتکبان فجایع زیست‌محیطی مجازاتی همچون مرتکبین جرایم خرد در نظر گرفته و «اعمال خطرناکی مانند آلوده کردن آب آشامیدنی و توزیع آب آشامیدنی آلوده را در کنار اعمالی چون ریختن زباله در خیابان‌ها یا به حرکت در آوردن وسیله نقلیه دودزا قرار داده و دارای یک مجازات دانسته است» (میر محمد صادقی، ۱۳۸۹: ۲۰۵). ضمانت‌اجراهای مندرج در قوانین مربوطه به وضوح بر فقدان عزم راسخ مقنن در پیشگیری و مبارزه با جرایم، به‌ویژه جرایم صاحبان قدرت و ثروت علیه منابع آب زیرزمینی، صخه می‌گذارد. گویی قلمرو محیط زیست از سوی مقنن در حال تحدید و از سوی مرتکبان جرایم در حال تهدید می‌باشد.

آخرین و مهم‌ترین دلیل عدم حساسیت افکار عمومی جامعه نسبت به سندرم بزه‌دیدگی جرایم علیه منابع آب زیرزمینی، **جرم‌انگاری ناقص رفتارهای آسیب‌رسان صاحبان قدرت** می‌باشد. بسیاری از آسیب‌ها علیه منابع آب زیرزمینی در کشورمان ناشی از رفتارهای آسیب‌رسان زیست‌محیطی کارخانجات و صنایع کلان دولتی و غیردولتی است. سدسازی‌های نامناسب، احداث کارخانه‌های فولاد و ورود فاضلاب و پسماند کارخانجات تنها نمونه‌هایی از این جرایم هستند. آسیب‌های کلان و نامرئی این گروه از مرتکبین، زیست‌بوم انسانی و طبیعی کشور را با چالش مواجه ساخته و وجود قوانین کیفی عنصر بدیهی پیشگیری از آسیب‌های کلان‌تر و مبارزه با آنها می‌باشد. با این حال، مقنن ایران، آسیب‌ها علیه منابع آب زیرزمینی را به‌عنوان جزئی از بایسته‌های زندگی مدرن پذیرفته و گویی نتوانسته میان پیشرفت و صیانت از این منابع تعادل برقرار نماید، تا جایی‌که؛ برای حمایت از گروه‌های قدرت و گاهی با توجیه رشد اقتصاد ملی، سعی در نادیده‌گرفتن آسیب‌های کلان فعالیت‌های مخرب آنها داشته و بسیاری از این فعالیت‌ها را قانونی شناخته است. در نتیجه، این اندیشه به ذهن متبادر می‌شود که قانون‌گذار اغلب بر جرایم گروه‌های فاقد قدرت تمرکز کرده و درصدد افزایش دامنه شمول جرایم صاحبان قدرت نمی‌باشد. تا جایی‌که،

در برخی از موارد تا رفتارهای آسیب‌رسان این گروه را تا حد تخلف تنزیل داده است. دریافت عوارض از عاملان آلاینده‌گی زیست محیطی مثالی آشکار از صیانت از گروه‌های ذی‌نفوذ می‌باشد. نمونه بارز از این امر را می‌توان در صدر تبصره نخست ماده ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ مشاهده کرد. این تبصره، نه تنها ایجاد آلودگی زیست محیطی ناشی از فعالیت واحدهای تولیدی را جرم‌انگاری ننموده است، بلکه آن دسته از واحدهایی را که در طی سال اقدام به رفع آلاینده‌گی نمایند، با درخواست واحد مزبور و تأیید سازمان حفاظت محیط زیست از فهرست واحدهای آلاینده خارج می‌گرداند و واحد مذکور دوباره به فعالیت خود ادامه خواهد داد و در صورت تکرار رفتار زیانبار، این چرخه معیوب دوباره تکرار خواهد شد. با نگاهی به مواضع جرم‌شناسی انتقادی می‌توان تفاوت قانونگذاری‌های اینچنینی را به خوبی درک کرد. «طبقه حاکم مرتکب جرم می‌شود، اما؛ توصیف قانونی برای اعمال آنها وجود ندارد و عنوان رفتار مجرمانه به خود نمی‌گیرد، بلکه مشمول قوانین مدنی و یا اداری می‌شود» (Croall, 2001: 13). بنابراین جای تعجبی ندارد زمانی که قسمت عمده‌ای از فعالیت‌های علیه منابع آب زیرزمینی منتسب به حاکمیت‌ها و یا گروه‌های مرتبط با آنها باشد، در صدد صیانت از منافع خود برآیند. در چنین وضعیتی، سکوت مقنن به عنوان نماینده جامعه، جو امنی برای بزهکاران یقه سبز ایجاد نموده و منجر به سرپوش گذاشتن بر بزه‌دیدگی منابع آبی زیرزمینی و یا به کم‌اهمیت تلقی کردن بزه‌دیدگی می‌شود. همچنین در برخی از موارد، در صورت جرم‌انگاری رفتارهای این گروه، ضمانت‌اجراهای سبک برای اعمال ارتكابی آنها در نظر گرفته می‌شود و یا راه‌های گریزی قانونی برای عدم تحمل کیفرهای سنگین در اختیار آنها قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه، بنابر ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب مجلس شورا مصوب ۱۳۵۳، سازمان محیط زیست با توجه به مقررات و ضوابط مندرج در آیین‌نامه‌های مذکور در ماده ۱۰ کارخانجات و کارگاه‌هایی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم می‌نماید مشخص و مراتب را کتباً با ذکر دلایل بر حسب مورد به صاحبان یا مسئولان آنها اخطار می‌نماید که ظرف مدت معینی نسبت به رفع موجبات آلودگی مبادرت یا از کار و فعالیت خودداری کنند. در صورتی که در مهلت مقرر اقدام نمایند به دستور سازمان از کار و فعالیت آنها ممانعت به عمل خواهد آمد و به موجب ماده ۱۲ همین قانون در صورت تخلف به حبس جنحه‌ای از شصت و یک روز تا یک سال و یا پرداخت جزای نقدی از پنج هزار و یک تا پنجاه هزار ریال و یا به هر دو محکوم خواهند شد. با نگاهی به ضمانت‌اجراهای مقرر در ماده می‌توان به عدم تناسب ضمانت‌اجراها با جرم ارتكابی پی برد، مقنن قاضی را مخیر به انتخاب یکی

۱. از این رو است که غالب مراجعین نظام عدالت کیفری را افرادی همچون کشاورزان و یا صاحبان صنایع کوچک تشکیل می‌دهند و صاحبان صنایع بزرگ و شرکت‌های عمومی دولتی و غیردولتی درگیر این فرآیند نیستند.

از کیفرهای مندرج در قانون گردانیده و ضمانت اجرای اندک حبس را مقرر نموده است. بنابراین، مدیر کارخانه آلاینده منابع آب زیرزمینی به موجب این ماده می‌تواند به کمترین مجازات مندرج در قانون یعنی حبس شصت و یک روز محکوم شود. همچنین، از آنجایی که قانون ممنوعیتی برای تخفیف مجازات مندرج در ماده وضع ننموده، قاضی می‌تواند مجازات حبس مذکور را نیز کاهش دهد. ضمانت‌اجراهای قانونی این‌چنینی با وسعت آسیب‌های وارده تناسب ندارند و «منفعت بهره‌برداری و استثمار منابع طبیعی برای شرکت‌ها و کارخانجات بیشتر از معایب کیفر است» (Eman, 2012: 82). در این حالت، آنها با اتخاذ رویکردی عقلانی^۱ سود و زیان حاصل از تحمیل کیفر را مورد سنجش قرار می‌دهند و تصمیم بر ارتکاب جرم می‌گیرند. در حالیکه، «سیاست‌گذاران کیفری نخست می‌بایست جرایم مختلف و نیز ویژگی‌های غالب مرتکبین این جرایم را بازشناخته و آنگاه مبادرت به تعیین ضمانت اجرای مناسب برای آنها کنند» (جوان جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۴). عدم نسخ چنین قوانینی حاکی از آن است که مقنن شناخت کافی از بزهکاران یقه سبز ندارد.

نبود نظام حقوقی مصمم در مبارزه با صاحبان قدرت، موجب قانونی شناختن رفتارهای نابهنجار آنها شده است. از سوی دیگر، زمانیکه ماهیت آسیب‌رسان این رفتارها فاش نشود، جامعه در وضعیت امنیتی اخلاقی بسر برده و این اندیشه نزد افکار عمومی قوت می‌گیرد که اعمال حاکمیت‌ها و شرکت‌های بزرگی که در چهارچوب قوانین جاری به فعالیت می‌پردازند، منافاتی با حق بهره‌مندی آنها از محیط زیست سالم ندارد. ناآگاهی افکار عمومی جامعه از فقدان وجود چنین قوانین، حاشیه امنی را برای مرتکبین ایجاد می‌نماید و در آرامش و سکوت خبری به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند.

۲.۲.۲. سیاست قضایی ناکارآمد در مقابل بزهکاران جرایم علیه منابع آبی زیرزمینی

پیگیری جرایم و نابهنجاری‌های مرتبط با منابع آبی کشور به خصوص آب‌های زیرزمینی توسط مقامات قضایی نقش چشمگیری در آگاهی‌رسانی به افکار عمومی خواهد داشت. هرگونه حساسیت دادستان‌ها نسبت به سوءمدیریت و استفاده نامناسب از منابع آبی، جامعه را نسبت به منابع زیست‌محیطی آگاه می‌کند و در نتیجه، بزه‌دیدگی جرایم علیه منابع آب زیرزمینی پدیده‌ای عادی تلقی نمی‌شود. درحالی‌که؛ عدم تعقیب و محاکمه بزهکاران سبز به ناشناخته ماندن آنها و تداوم چرخه سندرم بزه‌دیدگی کمک می‌کند.

مطابق ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و در راستای اصل ۵۰ قانون اساسی، مسئولیت حفظ حقوق عامه و تعقیب جرایم واجد جنبه عمومی، برعهده دادستان است. وظیفه قانونی دادستان‌ها برای عضویت در ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی، ستاد پیشگیری و مبارزه با جرایم خاص، شورای عالی پیشگیری از جرم، شورای حفظ حقوق بیت‌المال در امور اراضی و منابع طبیعی خود شاهدهی بر نقش بارز دادستان‌های استان‌ها و شهرستان‌ها در پیشگیری از آسیب‌ها و انحرافات می‌باشد (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳).^۱ در همین راستا، دادستان‌های شهرستان‌ها و در رأس آنها دادستان کل کشور به عنوان نماینده عموم جامعه موظف به تضمین حق محیط‌زیست سالم می‌باشند. تدابیر قهرآمیز، تنها یکی از ابزارهای آنان برای پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی می‌باشد و نباید از نقش چشمگیر تدابیر پیشگیرانه غیرقهرآمیز غفلت ورزید. دادستان‌ها با استفاده از راهبردهای پیشگیرانه وضعی نظیر دیده‌بان‌های پیشگیری از وقوع جرم، گاردهای ویژه مراقبت از محیط زیست، سامانه‌های برخط جامع اطلاعات مردمی نظیر سجام، سامانه‌های تلفنی پیشگیری از جرم مانند ۱۵۰۴، راه‌اندازی گشت‌های مراقبتی و فرهنگ‌سازی از طرفی نظیر تابلوها و کاتالوگ‌هایی با مضامین صیانت از محیط زیست می‌توانند گام‌های عملی مؤثری برای پیشگیری از آسیب‌های جبران‌ناپذیر به زیست‌بوم طبیعی بردارند. در همین راستا، معاونت‌های پیشگیری از وقوع جرم استان‌ها، به عنوان بازوان اجرایی دادستان‌ها مکلف به رصد فعالیت‌های مشکوک زیست‌محیطی و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه لازم می‌باشند.^۳ شمار

۱. علیرغم وجود چنین وظیفه خطیر سازمانی، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ۲۴ ماده اختصاص داده شده به تبیین وظایف دادستان، از تشریح وظیفه پیشگیری از جرم غفلت ورزیده است. همچنین یکی دیگر از دلایل ناکارآمدی نهاد تعقیب در امر پیشگیری را می‌توان در برخی از موارد در جرم‌انگاری‌های تک‌بعدی یافت. این نوع از قانونگذاری، راه را برای مرتکبین این جرایم باز گذاشته و پیشگیری از آسیب‌های بالقوه‌ی آتی را برای مقامات تعقیب و ضابطین آنها دشوار می‌سازد. نمونه بارز آسیب‌های ناشی از این نوع سبک قانونگذاری را می‌توان در رأی شعبه یک تشخیص دیوان عدالت اداری مشاهده کرد. در پرونده مذکور، دیوان با استناد مواد ۱، ۱۰ و ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و مواد ۱۲ و ۱۳ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، اختیاری برای سازمان حفاظت محیط زیست برای شکایت از صنایع آلاینده‌ایی که خطرات بالقوه دارند و این خطرات مورد تأیید متخصصان سازمان می‌باشد، قرار نداده است و توقف فعالیت کارخانه آلاینده سیمان را منوط به وقوع آلودگی نموده است. (بانک داده آراء پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۲).

۲. سیستم جامع اطلاعات مردمی (سجام) با نشانی برخط www.sajam.adliran.ir در راستای بند پنجم اصل ۱۵۶ و بند اول اصل ۱۵۸ قانون اساسی، با هدف جذب افراد به عنوان دیده‌بان‌های پیشگیری از وقوع جرم و حذف واسطه‌های خبری و حفظ آبروی مردم توسط معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه راه‌اندازی گردیده است.

۳. دادستان‌ها در این مسیر از ضابطین خاص نیز کمک می‌گیرند و هرگونه اهمال این ضابطین در گزارش موارد مشکوک، وظایف دادستان‌ها را دشوارتر می‌سازد. به عنوان نمونه، بر اساس ماده ۳۰ قانون توزیع عادلانه آب، تعدادی از

فراوان جرایم علیه منابع آبی زیرزمینی در کشورمان این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که پروژه‌های کلان تهدیدکننده این منابع چگونه از دیدگان نافذ مقامات قضایی پنهان مانده و به عنوان مدعی‌العموم در صیانت از منافع جمعی برنیامدند؟ برای پاسخگویی به این پرسش باید به دو نکته مهم توجه نمود.

نخست آنکه، بسیاری از جرایم زیست‌محیطی کلان علیه منابع آب زیرزمینی، توسط اقلیتی ذی‌نفوذ ارتکاب می‌یابند. «مرتکبان این جرایم در بسیاری از موارد کنشگران اقتصادی هستند که به دلیل نفوذ سیاسی‌شان، ابایی از ارتکاب این جرایم ندارند و حتی به مقابله با قوانین زیست‌محیطی می‌پردازند» (Spapen & Others, 2016:2). هرگونه تسامح و تساهل در برخورد با این دسته از مرتکبین بر **رقم خاکستری بزهکاری** می‌افزاید. آمارها نیز مؤید آن است که بسیاری از جرایم زیست‌محیطی کشف نمی‌شوند و یا در صورت کشف، مرتکبین آنها با در اختیار داشتن منابع قدرت، شناسایی نشده و نمی‌توان ارتکاب جرم را به فرد یا افراد خاصی نسبت داد.

بسیاری از جرایم علیه منابع آب زیرزمینی دامنه شمول گسترده‌ای دارند و با توجه به ماهیت مستمر آنها، مقامات تعقیب‌کننده از وجود چنین نابهنجاری‌هایی مطلع خواهند شد. به عنوان مثال، سد گتوند که قرار بود ارمغان‌آور آبادانی در آبادان باشد، جلگه‌های این منطقه را به شوره‌زار مبدل ساخته و سرمایه‌زنگانی کشاورزان، زمین‌های زراعی، را از آنها سلب نموده است. هشدارهای بسیاری از سوی اساتید حوزه آب و زمین‌شناسی قبل از آغاز پروژه داده شد و به گفته وزیر وقت نیرو، مشکلات پتوی رسی^۱ از ابتدا شناسایی شد (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۳). پرسشی که در این رابطه ایجاد می‌شود این است که آیا دادستان کل کشور وقت، به‌عنوان نماینده افکار عمومی به خصوص اهالی جنوب کشور نباید مبادرت به تحقیق و تفحص می‌نمود؟ چرا با وجود گذشت ۶ سال از احداث این سد و آشکار شدن ابعاد مخرب زیست‌محیطی آن، شاهد پیگیری قضایی و تشکیل پرونده برای مرتکبان این جرم نیستیم؟

کارکنان وزارت نیرو و موسسات تابعه و کارکنان وزارت کشاورزی که دارای ابلاغ مخصوص از سوی وزیر نیرو باشند و به داسرا معرفی شوند را به عنوان ضابط دادگستری معرفی کرده تا در صورت مشاهده جرایم و تخلفات علیه منابع آبی مراتب را به دادستانی گزارش دهند.

۱. «یکی از روش‌های کنترل نشت از زیر سدهای خاکی که بر روی پی‌های آبرفتی با نفوذپذیری زیاد احداث شده‌اند، استفاده از یک لایه پوشش با نفوذپذیری خیلی کم در سطح بستر رودخانه و کف مخزن و اتصال آن به هسته میانی سد است که در واقع نقش این پوشش و اینگونه روش‌ها طولانی کردن مسیر جریان و در نتیجه افزایش افت پتانسیل و کاهش انرژی آب است که در نهایت موجب کاهش مقدار آب نفوذی و تلفات حاصل از آن است. این نوع پوشش پتوی رسی نامیده می‌شود» (نوری و سلماسی، ۱۳۹۶:۵۹).

حقیقت امر آن است که در بسیاری از موارد در کشورمان از راهبردهای توسعه پایدار پیروی نشده است. توسعه و محیط زیست به مثابه دو نیروی متضاد در نظر گرفته شده و محیط زیست به بهانه توسعه قربانی می‌شود (همشه‌ری آنلاین، ۱۳۹۷). در نتیجه این نگرش، جرایم بزهکاران کلان سبز، ردیابی نمی‌شوند و حتی به سود منافع ملی و کمک به گذار از روزهای سخت تعبیر می‌شوند. در همین راستا، بسیاری از حقایق موجود وارونه تعبیر می‌شوند و مقامات قضایی گمان بر تهدید منافع عمومی نمی‌کنند. در برخی از موارد، مراجع قضایی با توجه به مجوزهای صادره از سایر نهادهای ذی‌صلاح، وقوع آسیب را احراز نمی‌نمایند و حتی گمان بر وجود منفعت عمومی می‌کنند. به‌عنوان نمونه، بنابر نظر شعبه هشت بدوی دیوان عدالت اداری، به موجب تبصره ۵ ماده واحده قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری مصوب ۱۳۸۹ "استفاده از چاه و آب‌های زیرزمینی منوط به عدم اضرار به مصالح عمومی و طرح‌های آبیاری دولت است که تشخیص آن با وزارت نیرو می‌باشد" (بانک داده آراء پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۱). در نتیجه، عدم درج رفتارهای آسیب‌رسان ارجاعی به محاکم در لیست شناسایی وزارت نیرو، قرینه‌ای بر عدم تهدید منافع عمومی به حساب می‌آید.

همچنین، بسیاری از پروژه‌های آسیب‌رسان به منابع آب زیرزمینی به نام پیشرفت و توسعه آغاز می‌شوند و بسیاری از بزهکاران سبز نیز با توجیه اشتغال‌زایی، به دست‌درازی به منابع آبی زیرزمینی پرداخته و در جهت کسب سود حداکثری بر می‌آیند. چه بسا وجهه بالای اجتماعی، ثروت فراوان، صدور مجوز غیرکارشناسی و تداخل نهادهای نظارتی تصویری خطر بودن فعالیت‌های مذکور را ایجاد بنماید. به‌عنوان نمونه، استفاده صنایع آب‌بر استان‌های خشک کشور (نظیر اصفهان و یزد) از منابع آبی به خصوص آب زیرزمینی روند بحران کم‌آبی را تشدید کرده است (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۵). تضاد عجیبی بین صدور مجوز کارخانه‌های فولاد و اشتغال‌زایی بیشتر، با بحران بی‌آبی استان‌های کم‌آب کشور و مهاجرت اجباری بسیاری از ساکنین آنها در آینده‌ای نه چندان دور وجود دارد. دادستان کل کشور و دادستان این استان‌ها به‌عنوان کارگزاران احقاق حق عامه، باید از پس وجهه مثبت افزایش نرخ اشتغال عبور کرده و روی تاریک تهدید حیات انسانی و طبیعی را مشاهده بنمایند.

نمونه‌های بیشمار آسیب به محیط زیست در اثر ارتکاب جرایم علیه منابع آب زیرزمینی در کشورمان (همچون دریاچه هامون، پریشان، بادهای صد و بیست روزه سیستان و ده‌ها نمونه‌ی دیگر) این تصویری را ایجاد می‌کند که هر چه وسعت جرایم زیست‌محیطی و آسیب‌های ناشی از آن بیشتر باشد، احقاق حق کمتری انجام خواهد گرفت. با توجه به پرونده‌های موجود در سامانه آراء قضایی قوه قضائیه، غالب پرونده‌ها را پرونده‌های خرد، نظیر حفر چاه بدون مجوز، تشکیل داده و

رفتارهای آسیب‌رسان کلان زیست‌محیطی به ندرت تحت تعقیب و محاکمه قرار گرفته‌اند.^۱ در نتیجه، با وجود اصل متعالی ۵۰ قانون اساسی و سیاست‌های کلی زیست‌محیطی ابلاغ شده از سوی رهبر انقلاب اسلامی، همانگونه که دادستان کل کشور، حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری، به عنوان یکی از بالاترین مقامات مسئول پیشگیری از جرم گفته است، حقیقت امر آن است که:

«کاری برای دفاع از حقوق عامه انجام نشده است. چراکه؛ اگر انجام می‌شد، شاهد این میزان تعرض و تجاوز به منابع آبی، کوه‌ها، دریاها، رودخانه‌ها و منابع طبیعی کشور و جنگل‌ها نبودیم. باید اعتراف کنیم که سازمان‌های دولتی، وزارتخانه‌هایی از جمله جهادکشاورزی، نیرو، راه و شهرسازی و دستگاه قضا به وظایف خود عمل نکردند که اکنون شاهد این همه تخریب منابع آبی، آلوده شدن آب‌های زیرزمینی و رودخانه‌ها هستیم» (شبکه خبر، ۱۳۹۵).

نتیجه برخورد دوگانه با مرتکبین جرایم زیست‌محیطی آن می‌شود که حجم عظیمی از پرونده‌های موجود جرایم علیه منابع آب زیرزمینی متعلق به بزهکاران خرد بوده و بسیاری از پرونده‌های کلان از این امر مستثنی هستند. به عنوان نمونه، طی بررسی نویسندگان در مورد میزان تعقیب و محکومیت کیفری جرایم علیه منابع آب زیرزمینی در سال ۹۵ در استان خراسان جنوبی، هیچ رأی محکومیت و یا تعقیب کیفری نسبت به کارخانجات استان صورت نگرفته و ۷۸ رأی محکومیت از دادگاه‌های استان نسبت به کشاورزان صادر شده است. شرکت آب منطقه‌ای استان خراسان جنوبی در تمامی این پرونده‌ها، به عنوان شاکی وارد شده و در مجموع این رقم حدود سه دهم درصد از پرونده‌های کیفری استان را تشکیل می‌دهد. (معاونت آمار و فناوری دادگستری کل استان خراسان جنوبی، ۱۳۹۷).

تعداد اتهام	عنوان اتهام
۸	بهره‌برداری از چاه‌های آبی که مضر به مصالح عمومی می‌باشد.
۰	عمل نکردن و عدم توجه مصرف‌کننده آب به دستورهای فنی وزارت نیرو یا وزارت کشاورزی
۷۰	حفر چاه یا قنات یا بهره‌برداری از منابع آب بدو رعایت مقررات

۱. برای مثال به پرونده‌های ذیل رجوع بفرمائید: رأی شعبه ۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۷۰۱۵۸۷ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۱، رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۸۰۲۴۵۳ شعبه ۸ بدوی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۴ و رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۳۳۰۱۱۳۴ شعبه ۳۳ بدوی دیوان عدالت اداری.

یکی دیگر از دلایل عدم وجود عدالت قضایی زیست‌محیطی در کشورمان را می‌توان در برخورد دوگانه قانونگذار یافت. نخست این‌که، زمانی‌که مجموعه قانون مدوّتی برای جرایم سبز وجود ندارد و بسیاری از رفتارهای آسیب‌رسان کلان علیه منابع آبی زیرزمینی با عنوان تخلف در قوانین اداری انعکاس می‌یابند (Sollund, & others, 2016:18) و تمرکز ابزارهای ارتباط جمعی بر جرایمی همچون قتل‌های ناموسی، احتکار و بازار ملتهب ارز و یا جرایمی از این نوع است، مقامات قضایی نیز درصدد رسیدگی به این جرایم برمی‌آیند. همچنین، بر اساس نظریه بازدارندگی، شدت ادراک شده^۱ از کیفرهای احتمالی توسط بزهکار، وی را از ارتکاب جرایم احتمالی در آینده باز خواهد داشت. "نمی‌توان بزهکاران یقه سفید، بویژه شرکت‌های حقوقی، را بدون ارعاب از طریق تحمیل کیفرهای شدیدتر از ارتکاب جرم بازداشت، چرا که در غیراینصورت، به میلیون‌ها انسان آسیب خواهند زد" (Dutcher, 2006 " 1296). بنابراین، تحمیل ضمانت‌اجراهای کیفری خفیفی همچون جریمه نقدی و یا حبس از شش ماه تا یک سال با توجه به مزایای احتمالی عمل مجرمانه، خاصیت بازدارندگی نداشته و به عبارتی سود حاصل از بزه بیشتر از زیان احتمالی آن خواهد بود. بسیاری از مقامات قضایی نیز با چنین اندیشه‌ای رشد پیدا کرده و چه بسا زمانی‌که درمی‌یابند اهمیت این جرایم نزد قانونگذار بسیار اندک است، از تعقیب مرتکبین چشم‌پوشی می‌نمایند و یا به همان مجازات‌های اندک رضایت داده و با رویکردی کم‌خطر برخورد می‌کنند.

به عنوان نمونه، در یکی از پرونده‌ها موجود در قوه قضاییه استان اصفهان، «نیروگاه بیش از سه سال از سوخت مازوت که تهدیدی علیه بهداشت عمومی است استفاده می‌کرده که در نتیجه این اقدام روزانه بیش از ۳۵ تن دی‌اکسید گوگرد وارد هوای مناطق مجاور شده و پسماندهای نیروگاه به خاک نفوذ کرده و موجب آلودگی آب‌های زیرزمینی نیز خواهد شد». قاضی پرونده مذکور به استناد ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات اسلامی و تبصره ۱ و ۲ آن و همچنین ماده ۱۶ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا متهم را به یک سال حبس تعزیری محکوم نمود (شاملو و دیگران، ۱۳۹۶:۶۲). قاضی این پرونده صرفاً بزه‌دیدگی خاک از حیث ورود پساب سیانور نیروگاه به خاک را به رسمیت شناخته و بزه‌دیدگی غیرمستقیم خاک به علت آلودگی هوا را به رسمیت نشناخت. پرسشی که در اینجا ایجاد می‌شود این است آیا کیفر یک سال حبس تعزیری برای جرم تهدید علیه بهداشت عمومی و ورود آلودگی آب به نیروگاه مرتکبین را از ارتکاب مجدد این جرم باز می‌دارد؟ آیا عدم توقف فعالیت و تعطیلی موقت یا دائم نیروگاه با توجه به ملاحظاتی صورت نگرفته است؟ در نتیجه همان‌گونه که دادستان کل کشور در سال ۱۳۸۸ هم اخطار داده بودند،

1. Perceived Severity

ضمانت‌اجراهای تحمیلی بر مجرمین زیست محیطی ناکارآمد هستند و «تجرّی مجرمین زیست محیطی حاصل اهمال در روند برخورد هاست» (دادگستری کل استان کرمان، ۱۳۸۸).

۲.۲.۳. عوام‌فریبی بزه‌کاران شرکتی سبز، راهکاری برای ایجاد امنیت اخلاقی

صنایع و کارخانجات بزرگ به‌عنوان بازیگران اصلی سندرم زره دیدگی زیست محیطی، نقش کلیدی در ارتکاب این جرایم ایفا می‌کنند. افزایش آگاهی افکار عمومی جامعه جهانی پیرامون مخاطرات رو به رشد ناشی از فعالیت صاحبان قدرت و ثروت، ادامه حیات این گروه را با چالش‌های فراوانی مواجه ساخته است.^۱ از این رو، بقاء در چنین شرایطی و ادامه سودآوری اقتصادی آنان، منوط به ارائه تصویر اجتماعی مثبت از فعالیت‌ها و ماهیت سالم آنها می‌باشد. به عبارت دیگر، این «سازمان‌ها و کارخانجات برای ادامه بقاء و فعالیت نیاز به رضایت جامعه (حمایت سیاسی و اجتماعی) دارند. لذا؛ سعی وافری دارند تا تصویری رضایت‌بخش از فعالیت‌های خود نزد افکار عمومی ارائه دهند» (Watson & Emery, 2004: 746).

راهبرد سبزشویی^۲ یکی از رایجترین طرق کسب اعتبار نزد افکار عمومی و انحراف افکار جمعی از ارتکاب جرم علیه آنها می‌باشد. در این تکنیک، صاحبان صنایع آسیب‌رسان به محیط زیست خود را دوستدار طبیعت نشان می‌دهند و با صرف مبالغی برای حمایت از محیط زیست و یا تبلیغات گسترده، سیاست‌های خود را همسو با محیط زیست معرفی می‌کنند و منجر به انحراف توجه افکار عمومی از فعالیت‌های آسیب‌رسان خود می‌شوند. هر چه قدرت سبزشویان بیشتر باشد، جرایم زیست محیطی نیز به همان اندازه از مرکز توجه خارج می‌شوند. در همین راستا، به نظر برخی از جرم‌شناسان انتقادی، «بزرگ‌ترین سبزشویان دنیا، بزرگ‌ترین آلاینده‌ها محیط زیست هستند» (White, 2010: 97). از مهم‌ترین مصادیق سبزشویی می‌توان به الصاق دروغین پرچسب‌های گروه‌های حامی محیط زیست بر روی کالاها، شعارها و نمادهای سبز، ادعاهای دروغ (همچون تولید پنبه بدون آفت‌کش) و سکوت در مورد آسیب‌های محصولات تولیدی اشاره کرد. به عنوان نمونه شرکت کامنچ تریس،^۳ سازنده زمین‌های بازی گلف ادعا می‌کرد که زمین‌های ساخته شده آنها دوستدار محیط زیست بوده و آسیبی به منابع آب طبیعی وارد نمی‌کند، در حالیکه آلودگی آب‌های زیرزمینی به وسیله آفت‌کش‌های سمّی این شرکت‌ها اثبات شد (Deen &

۱. به عنوان نمونه می‌توان به تهیه طومار از سوی سمن‌ها برای آگاهی‌رسانی درباره تخریب غیرمجاز منابع طبیعی برای طرح اتصال ریلی استان خراسان شمالی به استان گلستان و پوشش گسترده در فضای مجازی در مخالفت با تخریب جزیره هرمز برای برداشت از معادن در خرداد سال ۹۷ اشاره کرد.

2. Green washing
3. Comanche Trace

Advocate, 2012). تبلیغات دروغین مذکور، امنیت اخلاقی کاذبی در جامعه ایجاد نموده و افکار عمومی را نسبت به آسیب‌رسان بودن این رفتارها مطمئن می‌سازد.

نتیجہ گیری و پیشنهادات

هرگونه مدیریت کیفی جرایم علیه منابع آب زیرزمینی در گام نخست نیازمند علت‌شناسی تبدیل بزه‌دبگی منابع آب زیرزمینی به سندرم می‌باشد. عوامل متعددی در شکلگیری سندرم بزه‌دبگی جرایم علیه منابع آب زیرزمینی دخیل هستند. یکی از مهمترین این عوامل به ماهیت این جرایم بازمی‌گردد. بسیاری از جرایم علیه منابع آبی ماهیتی پنهانی دارند و افکار عمومی از ارتکاب آنها آگاه نمی‌شوند. همچنین، پیامدهای ناشی از این جرایم نیز در بلند مدت پدیدار می‌شوند و تا زمانی که منصف ظهور نرسند، جامعه گمان بر بزه‌دبگی نخواهد کرد. از طرفی دیگر، دستگاه‌ها و نهادهای تقنینی، اجرایی و قضایی گویی نه تنها به منظور صیانت و حفاظت از منابع آب زیرزمینی احساس نگرانی و خطر نمی‌کنند، بلکه؛ به عنوان یکی از عوامل تشدیدکننده بحران بی‌آبی نقش پررنگ ایفا می‌نمایند. به عنوان نمونه، سیاست کیفی تقنینی ایران با خلأهای ساختاری بسیاری در قبال این جرایم مواجه است. با اعتقاد بر نقش بازدارنده قانونگذاری کیفی در پیشگیری از ورود آسیب‌ها، انتظار می‌رود که مقنن جمهوری اسلامی ایران، با بازنگری در قوانین زیست‌محیطی مبادرت به بروزرسانی آنها نماید و با توجه به نقش حداکثری بزهکاران یقه سبز در آلودگی‌های زیست محیطی، کفرهایی متناسب با شدت و گستره آسیب‌های ناشی از اعمال آنها تعیین نماید.

همچنین، هرگونه مقابله با انحرافات و جرایم زیست‌محیطی توسط قوه قضائیه در گام نخست، نیازمند نظارت گسترده می‌باشد. در همین راستا، از یکسو باید به ملاحظات برخی از دادستان‌ها برای عدم اقدام قانونی، به عنوان مجرای قانونی پیشگیری از جرم، در راستای آنچه که ملزومات توسعه خوانده می‌شود، پایان داده شود و از دیگر سو، از موازی کاری نهادهای مسئول پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی در قوه قضائیه و مجریه اجتناب گردد. جرم‌انگاری رفتارهای مجرمان یقه سبز و ایجاد دادرسی و دادگاه‌های جرایم زیست‌محیطی و تخصیص مقام مستقلاً با عنوان دادیار حوزه پیشگیری از جرایم زیست محیطی، مانند بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا، نیز نقش چشمگیری در پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی خواهد داشت. همچنین، قوه قضائیه به عنوان بازوی اجرایی قانون‌گذار، باید نقش پویاتری در کیفررسانی بزهکاران کلان ایفا نماید. بزهکاران زیست‌محیطی کلان کشورمان، غالباً به ساختارهای نامشروع قدرت دسترسی دارند و چه بسا همین امر امنیت مادی و روانی دادستان‌ها و قضات را به خطر بیاندازد. از این رو، پیشنهاد نویسندگان بر این است که با اتخاذ آئین دادرسی افتراقی، از شناسایی مقامات قضایی رسیدگی کننده به این

جرايم پيشگيري شود و همچنين، امكانات قانوني لازم براي مبارزه با جرايم كلان زيست‌محيطي براي مقامات رسيدگي‌كننده محيا گردد.

آخري پيشنهاده نويسندگان نيز آن است كه هرگونه مبارزه با جرايم عليه منابع آب زيرزميني ناشي از رفتارهاي روزمره شهروندان و يا آسيب‌هاي ناشي از اقتصاد بيمار، نيازمند آگاهي افكار عمومي جامعه از وقوع اين اعمال و پوشش رسانه‌اي وسيع مي‌باشد. رسانه‌هاي جمعي به‌ويژه رسانه ملي، مي‌توانند نقش چشمگيري در ايجاد حساسيت در افكار عمومي جامعه و مطالبه‌گري جمعي براي مقابله و پيشگيري از آسيب‌هاي زيست‌محيطي ايفا نمايند. تشويق سازمان‌هاي مردم‌نهاد براي اقدام در قالب ماده ۶۶ قانون آئين‌دادرسي كيفري و اصلاح اين ماده و افزودن بر اختيارات اين سازمان‌ها در جريان دادرسي كيفري به‌عنوان معين دستگاه عدالت كيفري، مي‌تواند ارتكاب جرايم زيست‌محيطي را به عملي پرخطر براي بزهكاران تبديل نمايد.

منابع

- جوان جعفري، عبدالرضا؛ فراهدي آلاشي، زهرا و ساداتي، سيد محمدجواد (۱۳۹۵)، «بازدارندگي و سنجش آن در فلسفه كيفر»، پژوهش‌نامه حقوق كيفري، ۷(۲): ص ۷۸-۵۹.
- خالقي، ابوالفتاح و رشنوايي، حجت‌الله (۱۳۹۲)، «سياست تقنيني كيفري ايران در صيانت از منابع آب با عنايت به اسناد بين‌المللي»، پژوهش حقوق كيفري، سال دوم، شماره سوم، ص ۱۴۱-۱۱۹.
- دانش‌ناري، حميدرضا (۱۳۹۲)، «رويكردي انتقادي به جرايم زيست‌محيطي فرامرزي»، مطالعات بين‌المللي پليس، شماره ۱۹، ص. ۸۳-۶۵.
- شاملو، باقر؛ احمدي، اصغر و خسروشاهي، قدرت‌الله (۱۳۹۶)، «بزه‌ديده‌شناسي سبز: با تاكيد بر سياست كيفري ايران»، فصلنامه پژوهش حقوق كيفري، ۶(۲۰): ص ۶۷-۳۷.
- ظاهري، محمد؛ مجنوني توتاخانه، علي (۱۳۹۷)، «ارزيابي اثرات روحي و رواني انتشار گازهاي گلخانه‌اي نيروگاه حرارتي سهند بناب بر جوامع روستايي، مطالعه موردی: سکونتگاه‌هاي روستايي شهرستان بناب»، تحقيقات کاربردي علوم جغرافيايي (علوم جغرافيايي)، ۱۹، (۵۳): ص ۹۸-۷۵.
- گرجي فرد، حميدرضا (۱۳۹۵)، جرم‌شناسي سبز، تهران: ميزان.
- گلدوست جويباري، رجب (۱۳۹۳)، «نقش دادستان در پيشگيري از وقوع جرم»، مجله تحقيقات حقوقي، ۱۷ (۵۶۶): ص ۲۲۳-۲۱۱.



- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۹)، **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**، تهران: میزان.
- وایت، راب (۱۳۹۵)، **جرم زیست‌محیطی فراملّی: بسوی جرم‌شناسی جهان‌بوم**، ترجمه حمیدرضا دانش ناری، تهران: میزان.
- نوری، میثم و سلماسی، فرزین (۱۳۹۶)، «بررسی عددی تاثیر پتوی رسی در کاهش نشت از پی سدهای خاکی»، **مجله هیدروژئولوژی**، ۲(۱): ۷۰-۵۸.
- رأی شرط اخذ پروانه بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی، ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۸۰۲۳۸۸ (شعبه ۸ بدوی دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۱)، بازیابی شده از:
<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=c3VhTlVaU0FnTFk9>
- رأی جلوگیری از فعالیت کارخانه‌های آلاینده، ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۰۶۴ (شعبه ۱ تشخیص دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۲)، بازیابی شده از:
<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=NitWVXV0YTdYV0k9>
- نامعلوم (۱۳۹۷/۰۳/۲۵)، «کلانتری: حال محیط زیست ایران خوب نیست»، تاریخ استخراج:
<http://www.hamshahrionline.ir/news/408058>، ۱۳۹۷/۱۰/۵
- نامعلوم (۱۳۹۵/۰۸/۹)، «ایران دیگر آب ندارد»، تاریخ استخراج: ۱۳۹۷/۱۰/۵
<https://www.isna.ir/news/95080906448/>
- نامعلوم (۱۳۸۸/۰۵/۱۲)، «دادستان کل کشور: مجازات‌های زیست محیطی بازدارنده نیست، تجهیز یگان حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی ضرورت دارد»، تاریخ استخراج: ۱۳۹۷/۱۰/۵
<http://dadgostari-kr.ir/Default.aspx?tabid=2626&mid=4785&ctl=ArticleView&articleId=38517>
- Aaron, Schwabach (2018), *Transboundary Environmental Harm and State Responsibility: Customary International Law*. Encyclopedia of Life Support Systems .p:1-6.
- Burkett, Paul. (2014), *Marx and Nature: A Red and Green Perspective*. Chicago: Haymarket.
- Burkett, Paul. (2009), *Marxism and Ecological Economics: Toward a Red-Green Political Economy*. Chicago: Haymarket.
- Beyerlin, Ulrich (1997), *Encyclopedia of Public International Law (vol 3)*.Elsevier.
- Croall, H. (2010), 'Economic crime and victimology: a critical appraisal' in *International Journal of Victimology*, 8(2).
- Chaisemartin M, Varady R, Megdal S, Conti K, Gun J, Merla A, Nijsten G, and Scheibler F (2017), *Addressing the Groundwater Governance Challenge. Freshwater Governance for the 21st Century*, 6, 205-227.

- Cohen, Stanley (1973), *Folk Devils and Moral Panics: The Creation of the Mods and Rockers*. Paladin. doi:10.4324/9780203828250. ISBN 9781138834743.
- Emery, A., and Watson, M. (2004), **Organizations and environmental crime: legal and economic perspectives**. Managerial auditing. 741-759.
- Foster, John Bellamy. (2002), *Ecology Against Capitalism*. NY: Monthly Review Press.
- Foster, John Bellamy. (2000), *Marx's Ecology: Materialism and Nature*. NY: Monthly Review Press.
- Foster, John Bellamy. (1999), *Marx's Theory of Metabolic Rift: Classical Foundations for Environmental Sociology*, in American Journal of Sociology 105, 2: 366-405.
- Szyszkowicz, M., Kousha, T., Kingsbury, M., & Colman, I. (2016), Air Pollution and Emergency Department Visits for Depression: A Multicity Case-Crossover Study. *Environmental health insights*, 10, 155-61. doi:10.4137/EHLS40493
- O'Connor, James. (1998), *Natural Causes: Essays in Ecological Marxism*. NY: Guilford Press.
- Pun, V. C., Manjourides, J., & Suh, H. (2016), Association of Ambient Air Pollution with Depressive and Anxiety Symptoms in Older Adults: Results from the NSHAP Study. *Environmental health perspectives*, 125(3), 342-348.
- Sass, V, Kravitz-Wirtz, N, Karceski, SM, Hajat, A, Crowder, K, Takeuchi, D (2017), The effects of air pollution on individual psychological distress in *Health & Place*, Vol:48, pp: 72-79.
- Schnaiberg, A. (2002), Reflections on my 25 years before the mast of the environment and technology section in **Organization and Environment**, 15(1), 30-41.
- Situ, Y & Emmons, D. (2000), *Environmental crime: The Criminal Justice System's Role in Protecting Environment*. Sage Publications.
- Sollund, Ragnhild; Stefes, Christoph H. & Germani; Anna Rita (2016), *Fighting Environmental Crime in Europe and Beyond: The Role of the EU and Its Member States*
- Supreme Court of the Philippines, *Minors Oposa v. Secretary of the Department of Environmental and Natural Resources*. 33 ILM 173 (1994),
- Stefes, Christoph; Germani, Anna Rita (2016). *Fighting Environmental Crime in Europe and Beyond: the Role of the EU and Its Member States*. London: Palgrave Macmillan UK, 2016.
- International Groundwater Resources Assessment Centre (IGRAC) (2018), *Groundwater Overview: Making the invisible visible*. UN-Water category publication.



- Korsell, Lars Emanuelsson (2001), "Big Stick, Little Stick: Strategies for Combating Environmental Crime" in *Journal of Scandinavian Studies in Criminology and Crime Prevention*. 2: 2, pp 127 – 148.
- Natali (2016), *Visual Approach for Green Criminology*. Department of Sociology and Social Research, University of Milano-Bicocca.
- Pereira, Ricardo (2015), *Environmental Criminal Liability and Enforcement in European and International Law (Queen Mary Studies in International Law)*. Brill – Nijhoff.
- Ruggiero, V & South N. (2010), *Green criminology and dirty collar crime*. Springer. 251_262.
- Spapens, Toine; White, Rob & Kluin, Marieke (2016), *Environmental Crime and its Victims: Perspectives within Green Criminology*. Routledge.
- Sutherland, Edwin Hardin (1949), *White Collar Crime*. Yale University Press
- Siegel, Larry (2013), *Criminology: Theories, Patterns, and Typologies*. Wadsworth/Thomson Learning.
- United Nations Economic Commission for Europe (UNECE), (1998), *Convention on Access to Information, Public Participation in Decision-making and Access to Justice in Environmental Matters (Aarhus)*.
- UN General Assembly. (2010), *Twelfth United Nations Congress on the Prevention of Crime and Criminal Justice*. A/CONF.213/18. Salvador, Brazil.
- White, Rob & Heckenberg. Diane (2014), *Green Criminology: An Introduction to the Study of Environmental Harm*. Routledge
- United Nations Human Rights Committee, *E.H.P. v. Canada. Communication* No. 67/1980, U.N. Doc. CCPR/C/OP/1.
- Katja EMAN, (2012), *Crimes against the Environment—Comparative Criminology and Criminal Justice Perspectives*. Univerza u Maribor, Slovenia, MA.
- White, Rob (2010), *Global Environmental Harm: Criminological perspectives*., USA and Canada, Willan Publishing.
- White, Rob (2003), *Environmental Issues and the Criminological Imagination*. Theoretical Criminology. 7 (4), 483-506.